



دیدار خانواده و جمعی از اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم حبیب الله عسگراولادی - 4 / آبان / 1393

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار خانواده و جمعی از اعضای ستاد بزرگداشت مجاهد صادق و یار وفادار انقلاب، مرحوم حبیب الله عسگراولادی که در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ برگزار شده بود، مرحوم عسگراولادی را برخوردار از سه خصوصیت برجسته تدین، تخلق و تفکر خواندند و تاکید کردند: تلاش، کار و تحرک سیاسی مستمر، از ویژگیهای درس آموز مرحوم عسگراولادی، و گویای این واقعیت است که انسان در میدان مبارزه هیچگاه نباید احساس پیری، خستگی، تنبلی و گوشه نشینی به خود راه دهد. متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار همزمان با اولین سالگرد درگذشت این شخصیت انقلابی منتشر می‌شود:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حیات و مامت مؤمن مبارک است، دارای برکات است؛ و آقای عسگراولادی این جوری بود، هم حیانتش حیات بابرکتی بود، هم بعد از مامت برکاتی داشته، به نظر من مرحوم عسگراولادی در سه بخش آدم برجسته ای بود: یک بخش، بخش دینی بود؛ تدین. ایشان انصافاً متدین به معنای واقعی، متعبد، پایبند به مسائل شرعی و دینی به معنای واقعی کلمه [بود]. انگیزه‌ی این مبارزاتی هم که ایشان میکرد - چه از دوران جوانی و در مجموعه‌ی مؤتلفه؛ و بعد داخل زندان، چون ایشان داخل زندان هم مبارزه، میکرد و بعد از زندان تا پیروزی انقلاب؛ و بعد از پیروزی انقلاب تا آخر؛ و در این اواخر هم با این نامه نگاری‌ها و این کارهایی که ایشان میکرد؛ همه‌ی اینها مبارزه بود دیگر - تدین بود، یعنی واقعاً احساس مسئولیت میکرد. ایشان برای من همین اواخر در نامه‌ی نوشته بودند - مضمون نامه این است - که به نظرم رسید که حالا مثلاً در این اواخر زندگی‌ام، هرچه توان دارم، [امکان] تلاش دارم، به کار ببرم؛ این نامه‌ها را دارم مینویسم، این ارتباطات را برقرار میکنم به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و دینی. یعنی حقیقتاً انگیزه‌ی تدین بود که ایشان را وادار میکرد به کار، به این مبارزات دشوار در طول این سالهای متمادی، از قبل از مبارزات انقلاب و آن طور که شنیده‌ام من زمان فدائیان و بعضی [دیگر] از اینها، تا دوره‌ی مبارزات روحانیت و سال 41 و 42 تا آخر عمر؛ [یعنی] انگیزه‌ی ایشان انگیزه‌ی دینی بود. این یک نقطه‌ی برجسته است که به نظر من در شخصیت یک انسان خیلی تأثیر دارد.

جنبه‌ی دومی که در آقای عسگراولادی بود جنبه‌ی اخلاقی بود؛ ایشان انسانی بود دارای اخلاق حسن شرعی؛ بسیار متین، بسیار پُرحوصله، صبور، باانصاف؛ خب روح تدین اینها است دیگر، و الا کسی نماز هم بخواند، نوافل هم بخواند، نماز شب هم بخواند، [اما] در برخوردش با مردم آدم بی انصافی باشد، این نیست دیگر. مرحوم عسگراولادی از لحاظ خلقیاتی، انسان اخلاقی دینی بود، یعنی آدم صبوری بود، آدم بسیار متینی بود، آدم بسیار باانصافی بود - که این را ما در رفتارهای ایشان میدیدیم - آدم مراقبی بود؛ مراقب خودش بود، مراقب حرف زدنش بود - اینها خیلی مهم است که هرچه از دهنمان درمی‌آید نگوییم و نپرانیم - و خود را کنترل میکرد؛ این هم جنبه‌ی دوم که جنبه‌ی اخلاقی است، که این اخلاق، روح دین است؛ اخلاق انسانی برای هر انسانی روح دینداری او است: بُعِثْتُ لِاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ؛ مکارم اخلاق یعنی همین، یعنی انسان صبور باشد، متین باشد، باانصاف باشد، خوش ذات باشد، نسبت به مردم خیرخواه باشد، خدوم باشد، اهل کار باشد، مبتکر باشد، پیشرو باشد، تنبلی نکند؛ اینها همین اخلاقیات اسلامی است؛ همه‌ی اینها در آقای عسگراولادی بود؛ اینها را همه میدانید، دیده‌اید.

جنبه‌ی سوم آقای عسگراولادی جنبه‌ی فکری بود، ایشان یک آدم فکری بود؛ آدم بسیار خوش فکر در مسائل سیاسی و در مسائل اجتماعی [بود] و به هیچ وجه ایشان یک آدم عامی نبود؛ در همه‌ی مسائلی که وارد میشد اهل فکر بود، هم در مسائل اقتصادی. در مسائل سیاسی [هم] همین جور؛ آدمی بود اهل فکر، اهل فهم، میفهمید، تشخیص میداد. من آقای عسگراولادی را خب دورادور می‌شناختم، از نزدیک ندیده بودم؛ ایشان خب زندان بود، تا



اینکه آزاد شدند. ایشان با آقای حیدری آمدند منزل ما مشهد؛ خب من بار اولی بود که آقای عسگراولادی را از نزدیک دیدم، قبل از آن ایشان را ندیده بودم. ایشان آمدند نشستند و شروع کردند به گزارش دادن مسائل زندان و یک تحلیلی و در واقع تصویری از آن دوستانی که هم زندان شان بودند و با همدیگر درگیری و مشکل داشتند، برای من بیان کرد. من واقعاً مجذوب شدم؛ ایشان وضعیتی اینها را - که همین منافقین بودند دیگر - به قدری خوب و زیبا و واقعی و مستدل، خیلی آرام آرام، تبیین کرد [که] من واقعاً گفتم این انسان چقدر خوب میفهمد و میشناسد. عنصر فکری [بود]. همیشه با بنده هم که ملاقات داشتند - ایشان گاهی می آمدند اینجا - و راجع به مسائل گوناگون صحبت میشد، همین جور وجهه ی ایشان وجهه ی فکری بود؛ یعنی آدمی بود اهل فکر، خوش فکر، اهل استدلال، اهل منطق، واقعاً در مسائل گوناگون ذهنش کار میکرد، انسان جامعی بود.

خدا ایشان را رحمت کند؛ کارهای زیادی کردند و امیدواریم ان شاءالله خداوند ایشان را مأجور بدارد. باید یاد بگیریم. همین سه خصوصیتی که من در مورد ایشان گفتم، هر سه خصوصیت برای ما در واقع درس است: هم خصوصیت تدبیر، هم خصوصیت تخلّق، هم خصوصیت تفکر؛ که آدم حقیقتاً، هم پایبند به مبانی دینی و پایبند به شرع و تشریح باشد - از محرّمات الهی اجتناب کنیم؛ حالا محرّمات الهی برای افراد مختلف است؛ محرّمات الهی بعضی یک چیزهایی است، محرّمات الهی ماها یک چیزهای دیگر است؛ غیبت میکنیم، غیبت میشنویم، خلاف واقع میگوییم، قضاوت نادرست میکنیم، آنجایی که باید حرف بزیم سکوت میکنیم، آنجایی که باید سکوت کنیم حرف میزنیم؛ تخلفات شرعی ما اینها است؛ باید اینها را مراعات کرد، مراقبت کرد - هم آن جهت تخلّق را که عرض کردیم؛ این تخلّق به معنای واقعی کلمه، روح تدبیر است؛ صبر را، حوصله را، انصاف را، متانت را، گذشت را، تلاش را، تنبلی نکردن را - این چیزهایی که لازم است - باید یاد بگیریم. خب ایشان در سنین مثلاً هشتاد و خرده ای، از تحرک سیاسی دست برداشته بود؛ این خیلی مهم است که انسان احساس پیری نکند در میدان مبارزه و در کار مبارزه؛ احساس خستگی و تنبلی و انزوا و گوشه نشینی نکند؛ اینها خیلی مهم است. امیدواریم ان شاءالله خداوند با ایشان و با ما با لطفش رفتار کند؛ ان شاءالله با رحمتش رفتار کند. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته